

بسم الله الرحمن الرحيم

### برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید گفته شد دو بیان متفاوت ما از احکام اضطراری داریم؛ یک بیان که شاید بیان معروف باشد این است که احکام اضطراری در طول احکام اولی است به عبارتی جانشین احکام اولی است گویا هر مکلفی دو مرتبه از حکم را داراست حکم اولی اختیاری و حکم ثانوی اضطراری؛ طبیعتاً طبق این بیان، بحث اجزا و بدلیت معنا پیدا می کند گفته می شود آیا امثال حکم اضطراری کفایت از امثال حکم اختیاری می کند یا نه؛ مثلاً فاقد الماء وظیفه اش نماز خواندن با وضو است اما حکم اولی نسبت به او فعلی نیست چون آبی در اختیار ندارد لذا به سراغ بدل وضو یعنی تیمم می رود. در اینجا است که بحث می شود اگر کسی با تیمم نماز خواند بعد از مدتی عذرش برطرف شد آیا همین نماز (نماز با تیمم) کفایت می کند یا باید دوباره بخواند؟ در مقابل این بیان، بیان مرحوم آقای بروجردی است (البته به حسب آنچه مقرر به ایشان نسبت داده است) ایشان معتقد است اصلاً ما دو حکم نداریم اصلاً بدلیتی وجود ندارد اجزا معنا ندارد و... ایشان می فرمایند: انسان ها دو دسته اند 1. واجد الماء 2. فاقد الماء؛ هر کدام از این ها هم تکلیف خاص خود را دارند. اصلاً اجزا معنا ندارد؛ چنانکه معنا ندارد بگوئیم کسی که حج رفته عملش مجزی از روزه باشد معنا ندارد بگوئیم کسی که با تیمم نماز خوانده عملش مجزی از نماز با وضو باشد. ما این قسمت درس خارج را محضر شیخنا الاستاذ سلمه الله بودیم ایشان به کلام آقای بروجردی اشکال می گیرند اما ما اشکال ایشان را به سه اشکال توسعه می دهیم.

1. شما دارید انکار بدلیت می کنید اما خود شما از بدلیت در فقه استفاده می کنید. شما در بحث تیمم، بحث ایماء به سجده - بر ای کسی که قادر به سجده نیست - تعبیر به بدلیت را دارید و... علاوه بر این، ما در عنوان روایات تعبیر به بدلیت داریم مثلاً مرحوم شیخ حر بابی با عنوان - باب وجوب ضربتین فی التیمم سواء کان عن وضوء ام عن غسل و یتخیر فی الثانية بین الجمع و التفریق - دارد. یک شوخی با فقهاء بکنم فقها در جایی که باید «او» بیاورند «ام» میاورند و بالعکس؛ اینجا بهتر بود ایشان از واژه «او» استفاده می کرد. در واژه «عن» هم که در عنوان باب آمده است بدلیت تضمین شده است.
2. این روشی که شما پیش گرفتید در مرز احکام اضطراری باقی نمی ماند بلکه در احکام ظاهری نیز باید همین رویه را بپذیرید. در احکام ظاهری (صورت جهل، نسیان، شک و...)

نیز باید بگوئید انسان ها دو دسته هستند یا عالم به حکم الهی هستند یا عالم نیستند و هر کدام حکم خود را دارند و... شما در اینجا نیز باید بدلیت را انکار بکنید اما شما چنین نمی کنید بلکه فقط در حکم اضطراری بحث را پیش می برید. البته فتامل (شاید آقای بروجردی بفرماید من در احکام ظاهری هم این مبنا را می گویم)

3. آقای بروجردی آیا شما می خواهید با این نظرتان، اصلاح عبارتی و ادبیاتی را صورت بدهید یا می خواهید بگوئید این نگاه، تاثیر محتوای در بحث اجزا دارد یعنی اجزا را بی محل می کند؟ اگر مقصود شما اصلاح عبارتی باشد ما مشکلی نداریم اما اگر می خواهید اجزا را زیر سوال ببرید بدانید که با کار شما اجزا بی محل نمی شود چرا که بین بدلیت و اجزا فرق وجود دارد. شما نهایتاً بدلیت را با کلامتان رد کنید اما اجزا لغو نمی شود چرا که اگر کسی فاقد الماء بود و با تیمم نماز خواند سپس واجد الماء شد می شود این سوال را مطرح کرد که آیا نماز دوباره با وضو لازم است یا نه یا مثلاً اگر کسی با تقیه کارش را انجام داد بعد از خروج از حال تقیه، این سوال پیش نمی آید که آیا نماز بدون حالت تقیه لازم است یا نه؟ آقای بروجردی، شما بدلیت را رد کنید اشکالی ندارد اما بدانید رد بدلیت دلیل بر رد اجزا نیست.

مرحوم آقای منتظری تعلیقه ای بر کلام آقای بروجردی دارد و می فرماید: بین بدلیت با اجزا فرق وجود دارد.

راجع به اشکال اولی که شیخ استاد ما به آقای بروجردی داشتند عرض کنم اینکه ما دو مورد تعبیر به بدلیت در عبارت آقای بروجردی پیدا کنیم و عبارتی را از شیخ حر نقل کنیم و... دلیل نمی شود ما نظر آقای بروجردی را زمین بزنیم. ما در احکام اضطراری باید به سراغ ارتکازات عقلا برویم؛ عقلا برای حالت اضطرار و... ارتکاز دارند؛ برای رد یا تایید نظر آقای بروجردی ما باید به ارتکازات عقلا توجه کنیم نه اینکه به سراغ واژه «عن» در کلام شیخ حر برویم تازه این نظر شیخ حر است نه اینکه کلام امام معصوم علیه السلام باشد اتفاقاً در کلمات ائمه علیهم السلام اثری از واژه «عن» یا «بدل» وجود ندارد. باید ببینیم در بین عقلا، آیا احکام اضطراری را جانشین و بدل تلقی می کنند یا نه؟ آیا عقلا دو جاده و لاین را برای احکام اولی و اضطراری لحاظ می کنند یا نه؟ البته باید به تعبیر آیه تیمم و... هم توجه کنیم اگر تعبیر مشعر به بدلیت باشد آقای بروجردی نباید چنین سخنی بگویند اگر مشعر به تقسیم باشد دیگران نباید به آقای بروجردی اشکال بگیرند. من خودم در 25 سالی که درگیر این بحث هستم در برخی موارد حق را به جانب آقای بروجردی می دهم. مثلاً وقتی می گویند مسافر این نماز را بخواند حاضر این نماز را بخواند آیا کسی صحبت از جانشینی می کند؟

اگر شارع بفرماید کسی که قادر بر قرائت است نمازش را خودش بخواند و غیر قادر نماز را به جماعت بخواند آیا کسی از جانشینی صحبت می کند؟ این ها را دو دستگاه می دانند لذا این موارد موافق کلام آقای بروجردی است. اما اینکه نظر آقای بروجردی بخواهد اجزا را رد بکند صحیح نیست.

اگر نظر آقای بروجردی درست باشد و لازمه کلامش رد بحث اجزا نباشد نمی شود به آقایان اشکال کرد و گفت بحثشان در مورد اجزا اشتباه است. من وقتی به وجدان خودم رجوع می کنم میبینم آیا علما در بحث اجزا می خواستند بگویند که به واسطه انجام مأموریه خود امر ساقط می شود یا نه؟ قطعاً مقصودشان این نبوده چون معلوم است امر به واسطه اتیان مأموریه ساقط می شود. شما وقتی نماز با تیمم می خوانید امر شما در مورد نماز با تیمم قطعاً ساقط می شود. ولی جای این سوال است اگر حکم اولی نماز، نماز با وضو است شخصی که آمده با تیمم نماز خوانده آیا بعد از زوال عذرش لازم است دوباره نماز بخواند یا نه؟

کسی که به خاطر تقیه نماز با تکتف می خواند یا نماز بدون مایصح السجود علیه می خواند و... آیا باید نمازش را تکرار کند یا نه؟

در این موارد باید انسان ارتکازات متشرعه، لسان فقهاء، زبان ادله و... را ببیند.

این بحث، در آینده چندین بار مورد استفاده قرار می گیرد. من دیشب دور قبل اصول را نگاه می کردم دیدم ما چند بار این بحث آقای بروجردی و مقابل ایشان را مطرح کردیم. مثلاً بحثی است در حدیث رفع که آیا حدیث رفع، رفع است یا دفع؟ آیا حدیث، حکم موجود را بر می دارد یا از ابتدا نمی گذارد این حکم موجود شود؟ مثلاً در صلاة در دار غصب این بحث مطرح می شود. در لاجرح، آیا اقتضای احکام ضرری رفع می شود یا اصلاً اقتضای نمی ماند (دفع) شاید ثمره اش این باشد که اگر کسی دچار ضرر یا حرج شد مثلاً وضو برایش ضرر داشت اما ضرر را تحمل کرد و وضو گرفت یا در حرج افتاد ولی در عین حال روزه حرجی را گرفت. در این موارد این بحث ربط پیدا می کند و کارایی دارد.

الحمد لله رب العالمین